



Proof of Ownership in the Iraqi Legal System in Light of Human Rights Standards

Entezar Jasim Jaffat Hussein¹, Heydar Bagheri Asl^{2*}, Seyed Mohammad Taghavi Alavi³

1. PhD Student, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

3. Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 45-60

Article history:

Received: 6 Nov 2025

Edition: 23 Nov 2025

Accepted: 10 Jan 2026

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Proof of Ownership, Iraqi Legal System, Islamic Jurisprudence, Registration Challenges, Human Rights.

Corresponding Author:

Heydar Bagheri Asl

Address:

Iran, Tabriz, University of Tabriz, Faculty of Law and Social Sciences, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0002-0487-1554

Email:

bagheriasl@tabrizu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The Iraqi legal system, integrating Islamic jurisprudence, codified laws, and local customs, faces profound structural challenges in proving ownership following the 2003 war. This article aims to examine these challenges and propose corrective measures to achieve justice and legal security.

Materials and Methods: This study was conducted using a descriptive-analytical method, reviewing Iraqi civil, registration, and procedural laws, as well as judicial precedents and related documents.

Ethical Considerations: In preparing this article, research ethics principles, including accurate citation of sources and maintaining scientific neutrality, have been observed.

Ethical Considerations: In preparing this article, the principles of research ethics, including accurate citation of sources and maintaining scientific impartiality, have been observed.

Findings: The findings indicate that significant factors such as administrative corruption, destruction of archives, inconsistency of laws, the influence of political-tribal pressures, and the lack of a digital registration system have made proving ownership difficult and unfair, violating the rights of owners, especially in war-torn areas and for low-income groups. This situation contradicts international human rights standards.

Conclusion: The necessity of fundamental reforms in legislation, modernization of the judicial system, combating corruption, development of information technology (such as blockchain), and strengthening independent oversight institutions to guarantee the right to ownership and realize justice in Iraq is inevitable.

Cite this article as:

Jaffat Hussein E.J; Bagheri Asl H; Taghavi Alavi S.M. Proof of Ownership in the Iraqi Legal System in Light of Human Rights Standards. 2026.

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

اثبات مالکیت در نظام حقوقی عراق در پرتو موازین حقوق بشر

انتظار جاسم جفات حسین^۱، حیدر باقری اصل^{۲*}، سید محمد تقوی علوی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳. استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران..

چکیده

زمینه و هدف: نظام حقوقی عراق با تلفیق فقه اسلامی، قوانین مدون و عرف‌های محلی، در زمینه اثبات مالکیت با چالش‌های ساختاری عمیقی پس از جنگ ۲۰۰۳ مواجه است. این مقاله با هدف بررسی این چالش‌ها و ارائه راهکارهای اصلاحی در راستای تحقق عدالت و امنیت حقوقی تدوین شده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و با مرور قوانین مدنی، ثبتی و آیین دادرسی عراق، همچنین رویه قضایی و اسناد مرتبط انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تهیه این مقاله، اصول اخلاق پژوهش از جمله استناد دقیق به منابع و حفظ بی‌طرفی علمی رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل مهمی همچون فساد اداری، نابودی آرشیوها، ناهماهنگی قوانین، نفوذ فشارهای سیاسی-قبیله‌ای و فقدان نظام ثبت دیجیتال، اثبات مالکیت را دشوار و ناعادلانه ساخته و حقوق مالکان به‌ویژه در مناطق جنگ‌زده و برای اقشار کم‌درآمد نقض می‌شود. این وضعیت با موازین بین‌المللی حقوق بشر در تضاد است.

نتیجه: ضرورت اصلاحات بنیادین در تقنین، نوسازی نظام قضایی، مبارزه با فساد، توسعه فناوری اطلاعات (مانند بلاک‌چین) و تقویت نهادهای نظارتی مستقل برای تضمین حق مالکیت و تحقق عدالت در عراق امری اجتناب‌ناپذیر است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵-۶۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱۱/۰۸

واژگان کلیدی:

اثبات مالکیت، نظام حقوقی عراق، فقه اسلامی، چالش‌های ثبتی، حقوق بشر.

نویسنده مسئول:

حیدر باقری اصل

آدرس پستی:

ایران، تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، گروه حقوق.

کد ارکید:

0000-0002-0487-1554

پست الکترونیک:

bagheriasl@tabrizu.ac.ir

۱. مقدمه

غصب‌شده و اختلافات منطقه‌ای، این کشور را به نمونه‌ای برجسته برای بررسی تعارض میان نظام حقوق داخلی و موازین حقوق بشر تبدیل کرده است. بنابراین، مطالعه موردی عراق امکان تحلیل عینی ناکارآمدی‌ها و ارائه راهکارهای اصلاحی قابل تعمیم به سایر جوامع پسابحران را فراهم می‌سازد.

در این بستر، پرسش‌های محوری این تحقیق شکل می‌گیرند: چه عواملی ساختاری و اجرایی، نظام اثبات مالکیت در عراق را با چالش‌های جدی مواجه ساخته و چگونه این عوامل در تقابل با موازین حقوق بشر قرار می‌گیرند؟ همچنین، قوانین مدنی، ثبتي و آیین دادرسی عراق در این زمینه چه خلأها و ناکارآمدی‌هایی دارند و این نارسایی‌ها چگونه در رویه قضایی و اداری نمود یافته‌اند؟ افزون بر این، دعاوی اثبات مالکیت در دو مسیر اداری و قضایی چگونه طراحی شده‌اند و چه نقاط ضعف و قوتی در هر یک وجود دارد؟ و در نهایت، راهکارهای اصلاحی بنیادین برای تضمین حق مالکیت، تحقق عدالت و انطباق با استانداردهای حقوق بشری در عراق چیست؟

پاسخ به این پرسش‌ها از آن جهت ضرورت می‌یابد که از یک سو، نظام حقوقی عراق به دلیل ماهیت ترکیبی و تحولات پرشتاب، نیازمند پژوهش‌های عمیق و به‌روز است و این تحقیق می‌تواند به غنای ادبیات حقوقی در این حوزه کمک کند؛ و از سوی

نظام حقوقی عراق، با ماهیتی ترکیبی و چندلایه متشکل از فقه اسلامی، قوانین مدون و عرف‌های محلی، در حوزه اثبات مالکیت با چالش‌های ساختاری عمیقی مواجه است که پس از جنگ سال ۲۰۰۳ و در پی تحولات پس از آن، ابعاد پیچیده‌تری یافته است. این چالش‌ها نظام مالکیت را به یکی از بحرانی‌ترین بخش‌های حقوقی کشور تبدیل کرده‌اند، به طوری که دعاوی اثبات مالکیت به‌عنوان ابزار اصلی تثبیت حق، در عمل با موانعی چون فساد اداری گسترده، نابودی آرشیوهای ثبتي، ناهماهنگی قوانین، نفوذ فشارهای سیاسی و قبیل‌های و فقدان نظام ثبت دیجیتال یکپارچه مواجه شده‌اند. این وضعیت نه تنها حقوق مالکانه شهروندان، به‌ویژه در مناطق جنگ‌زده و برای اقشار کم‌درآمد، را نقض می‌کند، بلکه به تشدید نابرابری‌های اجتماعی، تضعیف امنیت سرمایه‌گذاری و اختلال در بازسازی اقتصادی انجامیده است.

نکته دیگر آنکه انتخاب عراق به‌عنوان موضوع این پژوهش، ناشی از وضعیت خاص حقوقی و اجتماعی این کشور در دوره پساجنگ است. عراق پس از سال ۲۰۰۳ با ترکیبی از فروپاشی نهادی، نابودی اسناد ثبتي، فساد اداری و تعارض قوانین مواجه شده که نظام اثبات مالکیت را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است. از سوی دیگر، گستردگی دعاوی مالکیت، به‌ویژه در ارتباط با آوارگان، اموال

قضایی، اسناد رسمی، گزارش‌های نهادهای و مطالعات پیشین انجام شده است. روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی متون قانونی و آرای دادگاه‌ها بوده و با روش تحلیلی به تبیین چالش‌ها و ارزیابی انطباق نظام حقوقی عراق با موازین حقوق بشر پرداخته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تهیه این مقاله، اصول اخلاق پژوهش از جمله استناد دقیق به منابع، رعایت بی‌طرفی علمی و پرهیز از هرگونه سوگیری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که نظام اثبات مالکیت در عراق پس از سال ۲۰۰۳ با چالش‌های ساختاری عمیق و چندلایه‌ای مواجه است. مهم‌ترین این چالش‌ها شامل فساد اداری گسترده، نابودی آرشیوهای ثبتی در جریان جنگ، ناهماهنگی قوانین و نفوذ فشارهای سیاسی و قبیله‌ای است. این عوامل در کنار فقدان یک نظام ثبت دیجیتال یکپارچه، فرآیند اثبات مالکیت را به ویژه برای اقشار کم‌درآمد و ساکنان مناطق جنگ‌زده به شدت دشوار، پرهزینه و ناعادلانه ساخته است. از منظر حقوق بشری، این وضعیت منجر به نقض سیستماتیک حق مالکیت به عنوان یک حق بنیادین شده است. ناتوانی نظام قضایی و اداری در احقاق سریع و عادلانه حقوق مالکان، نه تنها

دیگر، با توجه به بحران مالکیت و تأثیر مستقیم آن بر امنیت اجتماعی و ثبات اقتصادی، ارائه راهکارهای عملی برای سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و نهادهای اجرایی یک ضرورت کاربردی اجتناب‌ناپذیر است. از منظر حقوق بشری نیز، نقض گسترده حق مالکیت به‌ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر و آوارگان، تبیین این مسئله در چارچوب موازین بین‌المللی را پررنگ می‌سازد. این تحقیق با نوآوری‌هایی چندوجهی همراه است؛ نخست با اتخاذ رویکردی بین‌رشته‌ای که ابعاد حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فناورانه مسئله را تلفیق می‌کند، و سپس با تأکید ویژه بر پیوند نظام داخلی با موازین حقوق بشر و تحلیل تعارضات موجود. همچنین، با بررسی تفاوت‌های منطقه‌ای در اجرای قوانین مالکیت در ساختار فدرال عراق، به تحلیل تطبیقی درون‌کشوری می‌پردازد و از دیگر سو، با پیشنهاد بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین و ثبت توزیع‌شده، راهکارهایی فراتر از اصلاحات صرفاً تقنینی ارائه می‌دهد. تمرکز ویژه این پژوهش بر دوره پساجنگ و بحران، از جمله مسئله آوارگان و اموال غصب‌شده، آن را به مطالعه‌ای بدیع و پاسخ‌گو به نیازهای عینی جامعه عراق تبدیل می‌کند.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با مرور نظام‌مند منابع حقوقی شامل قوانین مدنی، ثبتی و آیین دادرسی عراق، همچنین بررسی رویه

حق مالکیت به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر، ضرورت توجه فوری به انطباق نظام داخلی با استانداردهای بین‌المللی را پررنگ می‌سازد. در این راستا، راهکارهای اصلاحی باید چندبعدی و شامل بازنگری قوانین، نوسازی نظام قضایی، مبارزه با فساد، توسعه فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین و تقویت نهادهای نظارتی مستقل باشد. تحقق این اصلاحات مستلزم اراده سیاسی قوی و همکاری نهادهای داخلی و بین‌المللی برای تضمین عدالت و امنیت مالکیت در عراق است.

۵-۱. چالش‌های اثبات مالکیت در عراق

با این حال، در عرصه عمل و در بستر واقعیت‌های اجتماعی - سیاسی عراق، این نهاد با موانع ساختاری جدی مواجه است. فساد اداری گسترده و تخریب آرشیوهای اسناد ثبتی در جریان جنگ ۲۰۰۳ و منازعات پس از آن، فرآیند اثبات مالکیت را دشوار و زمینه‌ساز افزایش اختلافات حقوقی و اجتماعی کرده است. فقه اسلامی با تکیه بر قاعده «تسلیط» از حق مالکیت حمایت می‌کند، اما هم‌زمان با اصل «عدم اضرار به غیر» آن را مقید می‌سازد. مشکل اساسی در عراق، عدم انسجام این اصول در قالب رویه قضایی شفاف و واحد است؛ امری که تحت تأثیر فشارهای سیاسی و اجتماعی به صدور آرای متعارض انجامیده و اعتماد عمومی به عدالت قضایی را تضعیف کرده است. (الیوسف، ۲۰۰۳، ۱۱۲)

بی‌عدالتی را تداوم بخشیده، بلکه به تشدید نابرابری‌های اجتماعی، تضعیف امنیت سرمایه‌گذاری و اختلال در فرآیند بازسازی اقتصادی کشور انجامیده است. شکاف بین استان‌ها (مانند اقلیم کردستان و مناطق مرکزی) در تفسیر و اجرای قوانین نیز به نابرابری جغرافیایی در دسترسی به عدالت دامن زده است. تحلیل یافته‌ها بیانگر آن است که راه‌حل‌های مقطعی و صرفاً تقنینی کافی نخواهد بود. مقاله تأکید می‌کند که اصلاحات باید بنیادین، چندبعدی و فناورانه باشند. این اصلاحات شامل بازنگری و هماهنگ‌سازی قوانین، نوسازی نظام قضایی با آموزش تخصصی قضات، مبارزه جدی با فساد و به‌ویژه استقرار فناوری‌های نوین مانند سیستم‌های ثبت دیجیتال و بلاک‌چین برای شفافیت و امنیت اسناد است. بدون اراده سیاسی قوی و حمایت نهادهای نظارتی مستقل، چرخه معیوب کنونی و تضييع حقوق مالکیت ادامه خواهد یافت.

۵. بحث

بحث حاضر نشان می‌دهد که چالش‌های موجود در نظام اثبات مالکیت عراق نه تنها ناشی از خلأهای قانونی و اجرایی، بلکه برآمده از بافت سیاسی-اجتماعی پسا جنگ و فقدان اراده نهادی برای اصلاحات است. این وضعیت موجب تضعیف امنیت حقوقی، تشدید نابرابری و اختلال در روند بازسازی اقتصادی شده است. از منظر حقوق بشری، نقض

اگر به لایه‌های زیرین این مسئله نظر کنیم، در خواهیم یافت که دعوای اثبات مالکیت، با وجود پوشش نظری خود به عنوان نگهبان حقوق فردی، در میدان عمل به شدت تحت تأثیر میدان نیروهای اجتماعی و نابرابری‌های ساختاری قرار دارد. این دعوا در عمل، اغلب به سود طبقات فرادست و صاحبان قدرت در جامعه، اعم از رهبران پرنفوذ قبایل، مقامات بلندپایه دولتی و شبکه‌های فاسد اقتصادی تفسیر و اجرا می‌شود. این واقعه، نه تنها طعنه‌ای تلخ به اصول عدالت‌جویانه اسلام است، بلکه با استانداردهای پذیرفته شده حقوق بشر در عرصه بین‌المللی نیز در تعارضی آشکار قرار دارد.

۵-۲. اسباب قانونی دعوای اثبات مالکیت

نظام حقوقی عراق در حوزه اثبات مالکیت، با وجود قوانین مدنی، ثبتی و آیین دادرسی مدنی جامع در تئوری، در عمل با شکاف‌های ساختاری و اجرایی عمیقی روبروست. این ناهمگونی ریشه در فدرالیسم ناهمگون پس از قانون اساسی ۲۰۰۵ دارد و به شکل‌گیری تفسیرهای متعارض و نظام‌های حقوقی موازی در اقلیم کردستان در مقایسه با مناطق تحت مدیریت دولت مرکزی انجامیده است. نتیجه، تضعیف وحدت رویه قضایی و نابرابری جغرافیایی در حمایت از حقوق شهروندان است. (الکبسی، ۲۰۱۰، ۶۷)

این تشتت، اصل برابری در اعمال قانون را نقض کرده، شکاف‌های قومی-مذهبی را تعمیق بخشیده و

یکی از کاستی‌های اساسی نظام حقوقی عراق، فقدان سازوکارهای سریع و کارآمد برای رسیدگی به دعوای مالکیت در دوره‌های پسابحران است؛ خلأیی که این دعوای را به فرآیندهایی طولانی، پرهزینه و فرساینده بدل کرده و با ایجاد نااطمینانی حقوقی، به اختلال در اقتصاد ملی و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، به‌ویژه در بخش املاک، انجامیده است. در عمل، دعوای اثبات مالکیت به شدت تحت تأثیر نابرابری‌های ساختاری و نیروهای اجتماعی قرار دارد و غالباً به نفع طبقات فرادست، مقامات دولتی و شبکه‌های فاسد تفسیر می‌شود؛ امری که هم با آرمان‌های عدالت‌محور اسلامی و هم با استانداردهای در تعارض است. در شرایط خاص عراق پساجنگی، با وجود میلیون‌ها آواره و قربانی غصب یا تخریب املاک، این دعوای نتوانسته نقشی مؤثر در بازسازی اجتماعی و احیای اقتصادی ایفا کند. نبود زیرساخت‌های دیجیتالی یکپارچه برای ثبت و پیگیری مالکیت، روند احقاق حق را دشوارتر ساخته و بر رنج قربانیان افزوده است. (احمد، ۲۰۱۶، ۲۵۵) مجموع این کاستی‌ها، ضرورت اصلاحات ساختاری و عمیق را برجسته می‌سازد تا دعوای اثبات مالکیت در قالب راهبردی جامع برای توسعه پایدار، عدالت ترمیمی و بازسازی عراق عمل کند؛ اصلاحاتی که مستلزم بازنگری قوانین، نوسازی نظام قضایی، مبارزه با فساد، توسعه فناوری اطلاعات و اراده سیاسی قاطع برای تضمین حقوق همه شهروندان است.

پس از ۲۰۰۳ غالباً با جبران ناکافی خسارت همراه بوده و نارضایتی‌های اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کرده است. (الفتلاوی، ۲۰۱۵، ۸۹) همچنین مواد ۱۱۴۵ و پس از آن، حیازت با حسن‌نیت را قرینه مالکیت می‌شمارند؛ قاعده‌ای که در شرایط درگیری‌های مسلحانه می‌تواند به زبان مالکان واقعی و به سود متصرفان غیرقانونی تمام شود و ضرورت بازنگری این مقررات با توجه به پیامدهای جنگ و دوره حاکمیت داعش را برجسته می‌سازد. (مدخلی، ۱۹۹۶، ۱۵۶؛ دیکویک، ۲۰۲۳، ۸۱۱)

نهاد تقادم اکتسابی در حقوق عراق، با تعیین مدت ۱۰ تا ۱۵ سال در صورت وجود سند عادی و ۳۳ سال در فقدان آن، نقش محوری در دعاوی املاک فاقد سند رسمی ایفا می‌کند؛ اما رویه قضایی انعطاف‌پذیر و گاه سلیقه‌ای در اعمال این مدد، موجب کاهش پیش‌بینی‌پذیری احکام و تشدید تبعیض‌های قومی و اجتماعی شده است. رأی شماره ۲۰۱۸/۱۲۳ دیوان تمییز با شناسایی تقادم ۱۵ ساله همراه با سند عادی و تأکید بر حسن‌نیت، اگرچه از منظر نظری موجه به نظر می‌رسد، اما پیامدهای مهاجرت‌های اجباری ناشی از جنگ را نادیده گرفته و حقوق مالکان اصلی را تضعیف کرده است. (الزیدی، ۲۰۱۲، ۲۱۰) این وضعیت، ضرورت اصلاح قانون برای انطباق با شرایط پسابحران را برجسته می‌سازد.

با ایجاد بستری برای فساد اداری و نفوذ سیاسی، اعتماد عمومی به نظام دادرسی را تضعیف نموده است. (الفتلاوی، ۲۰۱۵، ۱۴۵) افزون بر این، قوانین موجود در مواجهه با چالش‌های نوینی مانند تغییرات اقلیمی، مهاجرت‌های اجباری و تحولات ثبت الکترونیک ناکارآمد هستند. بنابراین، نظام مذکور نه از نظر ساختاری با فدرالیسم هماهنگ است و نه از حیث محتوایی پاسخگوی نیازهای جامعه در حال گذار عراق می‌باشد و نیازمند بازنگری اساسی است.

۵-۲-۱. قانون مدنی عراق (شماره ۴۰) (مصوب ۱۹۵۱)

قانون مدنی عراق مصوب ۱۹۵۱ (قانون شماره ۴۰)، که متأثر از فقه حنفی است، مالکیت را به‌عنوان سلطه‌ای مطلق بر عین مال و منافع آن تعریف کرده است. این تلقی سنتی، اگرچه در ظاهر حامی حقوق مالکانه است، در جوامع مدرن با منافع عمومی و الزامات اجتماعی تعارض پیدا می‌کند. ماده ۱۰۴۸ با تعریف مالکیت تامه بر پایه تصرف، انتفاع و انتقال، فاقد توجه به محدودیت‌های نوین زیست‌محیطی و توسعه پایدار است و در دعاوی مربوط به منابع طبیعی مشترک، کارآمدی لازم را ندارد؛ امری که شکاف میان سنت حقوقی و مقتضیات جهان معاصر را نشان می‌دهد. (السنهوری، ۱۹۸۱، ۷۸)

ماده ۱۰۵۰ سلب مالکیت خصوصی را منوط به پرداخت غرامت منصفانه می‌داند، ولی اجرای آن

به ویژه در جوامع محلی و شرایط پساجنگ حمایت مؤثر کند، بلکه با ایجاد ابهام و رویه‌های سلیقه‌ای، به تشدید نابرابری و بی‌عدالتی دامن زده است. ناهماهنگی آشکار آن با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و ناتوانی در بهره‌گیری از مکانیزم‌های نوینی مانند ثبت دیجیتال، لزوم یک بازنگری بنیادین و همه‌جانبه را برای آشتی دادن اصول فقهی با مقتضیات عدالت در جهان امروز بیش از پیش ضروری می‌سازد.

۵-۲-۲. قانون ثبت اسناد و املاک (شماره ۴۳) (مصوب ۱۹۷۱)

قانون ثبت اسناد و املاک عراق (قانون شماره ۴۳ مصوب ۱۹۷۱) چارچوبی شکلی و مبتنی بر اصالت ثبت برای تضمین امنیت معاملات ملکی ایجاد کرده و با الزام ثبت رسمی نقل و انتقال اموال غیرمنقول، اثر حقوقی آن‌ها را در برابر اشخاص ثالث منوط به ثبت در دفاتر رسمی می‌داند (مواد ۳ و ۴). هرچند این رویکرد به افزایش قطعیت و کاهش اختلافات می‌انجامد، در شرایط بحرانی و مناطق جنگ‌زده به دلیل محدودیت دسترسی به نهادهای ثبتی، کارایی خود را از دست داده و شکافی میان هدف قانونگذار و توان اجرایی پدید آورده است؛ شکافی که می‌تواند ثبات حقوق مالکیت را تضعیف کند. (الزیدی، ۲۰۱۲، ۴۵) این رویکرد، ضرورت اصلاح قانون برای انطباق با شرایط پسابحران را به وضوح نشان می‌دهد. افزون بر این، ناهماهنگی این مقررات با

افزون بر این، ناهماهنگی این مقررات با کنوانسیون‌های بین‌المللی، که مالکیت را حقی بنیادین می‌دانند، مشهود است؛ زیرا تفسیرهای دولتی در عراق غالباً به بهانه مصالح عمومی به تحدید این حق می‌انجامد. از سوی دیگر، اتکای نظام ثبت املاک به روش‌های سنتی و اسناد کاغذی، و ناتوانی آن در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند بلاکچین، زمینه‌ساز فساد، جعل و معاملات متقلبانه شده است. (الفتلاوی، ۲۰۱۵، ۱۴۵) در مجموع، قانون مدنی عراق با وجود ایجاد بنیانی برای حمایت از مالکیت خصوصی، در برابر چالش‌های معاصر چون جنگ، مهاجرت‌های گسترده و تحولات اقلیمی ناکارآمد است و نیازمند بازنگری بنیادین همسو با استانداردهای بین‌المللی و در عین حال وفادار به اصول فقهی است تا تحقق عدالت فراگیر را ممکن سازد. (احمد، ۲۰۱۶، ۲۲۰)

برآیند تحلیلی آنچه بیان شد این است که قانون مدنی عراق مصوب ۱۹۵۱ با تعریف سنتی و مطلق از مالکیت و مواد قدیمی خود، علی‌رغم ایجاد پایه‌ای برای حمایت از مالکیت خصوصی، در مواجهه با چالش‌های پیچیده معاصر ناکارآمد مانده است. این قانون با غفلت از ملاحظات زیست‌محیطی، منافع عمومی و الزامات توسعه پایدار، همچنین با نادیده گرفتن پیامدهای بحران‌هایی چون جنگ، مهاجرت‌های اجباری و فساد اداری، نه تنها نتوانسته از حقوق مالکان واقعی

اعتبارسنجی را برجسته می‌سازد. (عیسی عبده، ۱۹۸۰، ۱۱۲)

مواد ۴۳ تا ۵۱ قانون ثبت عراق، رسیدگی به دعاوی ناشی از حیازت طولانی‌مدت، از جمله حیازت ۱۵ ساله، را به «کمیت‌های تثبیت مالکیت» واگذار کرده‌اند؛ سازوکاری که در نظریه می‌تواند فرآیند احراز مالکیت را نظام‌مند سازد. با این حال، کندی تشریفات اداری، ضعف نظارت و فساد سازمانی در برخی از این کمیته‌ها، موجب اطاله رسیدگی و تضييع حقوق ذی‌نفعان شده و اعتماد عمومی به کارآمدی نظام اداری و قضایی را به‌طور جدی تضعیف کرده است؛ امری که از منظر حکمرانی خوب یک چالش اساسی محسوب می‌شود. (الیوسف، ۲۰۰۳، ۱۷۸) این وضعیت، ضرورت اصلاحات نهادی عمیق با تمرکز بر شفافیت، پاسخگویی و کنترل داخلی را برجسته می‌سازد. مواد ۵۸ و ۵۹ قانون ثبت نیز نهاد «ثبت تأییدی» را برای موارد فقدان اسناد رسمی پیش‌بینی کرده‌اند که در شرایط عراق پس‌اجنگ اهمیت حیاتی دارد. با این وجود، تساهل در پذیرش قرائن ضعیف، خطر سوءاستفاده و طرح ادعاهای کاذب را افزایش داده است. رأی شماره ۲۰۲۰/۴۵۶ محکمه عالی فدرال، پذیرش شهادت اهالی محل را در فقدان سند ممکن دانسته، اما هم‌زمان بر لزوم ارزیابی دقیق اعتبار ادله و رعایت موازین اخلاقی تأکید کرده است؛ رویکردی که اگرچه در پی ایجاد توازن میان احقاق حق و استحکام ادله است، فقدان استانداردهای روشن و

کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر - که مالکیت را حقی ذاتی و غیرقابل سلب می‌دانند - محسوس است؛ در عراق، تفسیرهای دولتی غالباً این حق را به بهانه مصالح عمومی محدود می‌سازند، امری که می‌تواند به نقض سیستماتیک حقوق بنیادین بشر بیانجامد.

ماده ۱۰ با شناسایی حجیت قطعی دفاتر ثبت، اعتبار اسناد رسمی را تقویت می‌کند، اما استثنای تزویر و جعل - به‌ویژه در فضای پس از ۲۰۰۳ - این اعتبار را با تردیدهای جدی مواجه ساخته است. پیامد این وضعیت، افزایش دعاوی مرتبط با اعتراض ثالث و نقض حقوق، و ضرورت بازتعریف تدابیر امنیتی نظام ثبت با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین نظیر رمزنگاری، ثبت توزیع‌شده و بلاک‌چین است تا خطر جعل و دستکاری کاهش یابد و قابلیت‌هایی چون مهر زمانی و تغییرناپذیری تقویت شود. (کاچوروفسکا، ۲۰۱۹، ۳۴۱؛ زین و توینومورینزی، ۲۰۲۳، ۱۰) از منظر فقه اسلامی، هرچند بر اصالت کتابت و سندیت اسناد تأکید می‌شود، اما «شهادت عادلانه» نیز به‌عنوان مکمل یا جایگزین سند نقش دارد؛ امری که در نظام ثبتی مدرن عراق به‌طور کافی پیش‌بینی نشده است. این عدم هماهنگی میان معیارهای شکلی حقوق موضوعه و معیارهای ماهوی عدالت در فقه، به‌ویژه در فقدان یا تخریب اسناد رسمی، می‌تواند به نتایج ناعادلانه بینجامد و ضرورت توسعه معیارهای متنوع و مستحکم

ناهماهنگی ذاتی بین معیارهای سختگیرانه ثبت رسمی و الزامات عدالت ماهوی در فقه اسلامی (که بر شهادت و قرائن متکی است)، فضایی را ایجاد کرده که در آن حقوق مالکان واقعی فاقد اسناد رسمی، قربانی تشریفات اداری می‌شود. فساد در نهادهای ثبتي و کمبود مکانیزم‌های شفاف نظارتی (مانند کمیته‌های تثبیت مالکیت) نیز اعتماد عمومی به نظام را تحلیل برده است. بنابراین، این قانون در شکل کنونی، نه تنها به عنوان ابزاری برای تضمین حق مالکیت عمل نکرده، بلکه در بسیاری موارد به عاملی برای بلاتکلیفی حقوقی و تعلیق دادرسی‌ها تبدیل شده است.

۵-۲-۳. قانون آیین دادرسی و اثبات (شماره ۱۰۷) (مصوب ۱۹۷۹)

این بخش با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی مواد ۲۱ تا ۲۴، ۷۶ تا ۸۶ و ۹۸ تا ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی و ادله اثبات دعوی عراق مصوب ۱۹۷۹ می‌پردازد و نشان می‌دهد که با گذشت بیش از چهار دهه از تصویب این قانون، نظام قضایی عراق در اجرای آن با چالش‌های ساختاری و اجتماعی جدی مواجه است. مهم‌ترین این چالش‌ها شامل دشواری‌های اثبات جعل اسناد رسمی، تعارض‌ها در پذیرش شهادت به‌عنوان دلیل اثباتی و تفسیرهای قضایی ناهمگون متأثر از زمینه‌های قومی و عرفی است. یافته‌های این بررسی بر ضرورت بازنگری جامع در قانون، به‌ویژه در حوزه ادله الکترونیکی و

یکپارچه را در قانون و رویه اداری آشکار می‌سازد. (الکبسی، ۲۰۱۰، ۸۹؛ زین و توینومورینزی، ۲۰۲۳، ۱۴) در جمع‌بندی، قانون ثبت عراق از حیث هدف کلی تأمین امنیت حقوقی موجه است، اما بدون اصلاحات نهادی و اجرایی عمیق، کارآمدی آن کاهش می‌یابد. تکیه صرف بر فرمالیسم حقوقی، بدون توجه به عدالت ماهوی مورد تأکید فقه اسلامی، می‌تواند حقوق اقشار آسیب‌پذیر را تهدید کند. از این‌رو، تلفیق اصلاحات قضایی و اداری با راهکارهای فناورانه نوین مانند ثبت توزیع‌شده و بلاک‌چین، همراه با تعیین استانداردهای دقیق ادله اثباتی و زمان‌بندی شفاف رسیدگی‌ها، ضرورتی انکارناپذیر برای بازسازی نظام ثبت و تحقق امنیت مالکیت و عدالت در عراق پساجنگ است. (کاپوروفسکا، ۲۰۱۹، ۳۴۱؛ زین و توینومورینزی، ۲۰۲۳، ۲۰)

براساس آنچه گذشت، قانون ثبت اسناد و املاک عراق (۱۹۷۱) با تأکید شکلی بر اصالت ثبت، چارچوبی برای امنیت معاملات طراحی کرد، اما در عمل نتوانسته است با چالش‌های ناشی از درگیری‌های مسلحانه، فساد اداری و محدودیت‌های اجرایی تطابق یابد. شکاف میان فرمالیسم حقوقی این قانون و واقعیت‌های میدانی (مانند تخریب اسناد، عدم دسترسی به دفاتر ثبت و مهاجرت‌های اجباری)، کارایی آن را به ویژه در مناطق پساجنگ به شدت کاهش داده و به جای کاهش، به تعمیق اختلافات مالکیتی انجامیده است. افزون بر این،

ذی نفوذ از اسناد جعلی شده است. (الفتلاوی، ۲۰۱۵، ۲۰۱)

مواد ۷۶ تا ۸۶ قانون آیین دادرسی عراق شهادت را صرفاً در «وقایع مادی» معتبر می‌داند، در حالی که فقه اسلامی آن را به عنوان ادله‌ای معتبر و مستقل نیز می‌شناسد. قانون‌گذار عراقی، با عدم تعیین معیارهای عینی «عدالت شهود» و شیوه‌های اعتبارسنجی، زمینه ظهور شهادت‌های ساختگی، سفارشی و متأثر از روابط قبیله‌ای و قومی را فراهم آورده است. (الحسینی، ۲۰۱۹، ۸۷) این ناهماهنگی ساختاری باعث واگرایی رویه‌ها در استان‌های مختلف و تأثیرپذیری قضات از فشارهای محلی و عرفی شده است. (الفتلاوی، ۲۰۱۵، ۲۰۲؛ مدخلی، ۱۹۹۶، ۱۶۷) مواد ۹۸ تا ۱۰۴ قانون آیین دادرسی، قرائن قضایی از جمله «حیازت» و «اصل بقاء» را به رسمیت می‌شناسند، اما تفسیر و اجرای آنها در محاکم مختلف نابرابر و گاه متعارض است. مثلاً در رأی ۲۰۱۹/۷۸۹ دیوان تمییز، حیازت به دلیل عدم احراز حسن نیت متصرف رد شد، در حالی که در برخی استان‌ها قرائن عرفی قبیله‌ای بر قرائن قانونی ترجیح داده می‌شوند (الجابری، ۲۰۲۰، ۱۵۶)، این وضعیت در دوره پس‌داعش و در مورد اموال تصرف‌شده توسط داعش، پیچیدگی‌ها و چالش‌های حقوقی بیشتری ایجاد کرده است. (الحسینی، ۲۰۱۹، ۱۴۲)

انطباق با استانداردهای بین‌المللی دادرسی عادلانه تأکید دارد. مواد ۲۱ تا ۲۴ این قانون برای اسناد رسمی اعتباری بسیار بالا و در حکم «امر مختومه» قائل شده و محاکم را ملزم به تبعیت از مفاد آنها می‌داند، مگر آنکه جعل یا تزویر با دلایل قاطع اثبات شود. این رویکرد که ریشه در مبانی فقه اسلامی دارد، با هدف ایجاد ثبات حقوقی و کاهش دعاوی طراحی شده است (السنهوری، ۱۹۸۱، ۲۳۴)، اما در بستر نابرابر اجتماعی عراق، عملاً به ابزاری برای تضييع حقوق اقشار کم‌بضاعت تبدیل شده است. فرآیند اثبات جعل اسناد رسمی نیز با موانع جدی روبروست: از یک‌سو کمبود امکانات فنی و کارشناسی تخصصی در محاکم، و از سوی دیگر هزینه‌های سنگین و اطاله دادرسی، دسترسی عادلانه به عدالت را برای شهروندان عادی محدود کرده است. در نتیجه، افراد ذی‌نفوذ با بهره‌گیری از این خلأها، از اسناد رسمی جعلی برای تثبیت منافع خود استفاده می‌کنند و ناتوانی ساختاری نظام دادرسی، به تداوم نابرابری و بی‌عدالتی می‌انجامد. (الجابری، ۲۰۲۰، ۱۲۳)

رویه‌ی قضایی عراق در مواجهه با ادعای جعل اسناد رسمی عمدتاً محافظه‌کارانه است و دادگاه‌ها تا زمانی که جعل با ادله قطعی اثبات نشود، از ابطال یا تعلیق اثر سند خودداری می‌کنند. این رویکرد، با هدف حفظ ثبات حقوقی قابل درک است، اما در عمل منجر به تثبیت ناعدالتی و سوءاستفاده افراد

سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند. (احمد، ۲۰۱۶، ۱۰۶۵۷۴) افزون بر این، این همپوشانی‌ها به عنوان یک استراتژی ناخواسته برای تأخیر در عدالت عمل می‌کنند، رویکردی که با اصول فقه اسلامی در باب تسریع در احقاق حق و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در تضاد است. در شرایط پساجنگی عراق، این دعاوی نتوانسته‌اند ابزار مؤثری برای بازسازی اجتماعی باشند، زیرا فرآیند تبدیل اداری به قضایی، به دلیل کمبود منابع دادگاهی، اغلب به بن‌بست می‌رسد و حقوق مالکان را برای سال‌ها معلق نگه می‌دارد.

نقد جدی دیگر، فقدان توجه قانون به «ادله الکترونیکی و دیجیتالی» است. در عصر دیجیتال، بدون چارچوب قانونی مشخص برای استناد به ایمیل‌ها، پیام‌های شبکه‌های اجتماعی، قراردادهای الکترونیکی و داده‌های کلان، قضات عراقی در مواجهه با این نوع ادله فاقد راهنمایی لازم هستند. این در حالی است که استانداردهای بین‌المللی، مانند «الگوی قانونی آنسیترا ل امضای الکترونیک (۲۰۰۱)» و «کنوانسیون سازمان ملل (۲۰۰۵)» چارچوب‌های پیشرفته‌ای ارائه می‌دهند.

۵-۳. انواع دعاوی اثبات مالکیت

۵-۳-۱. دعاوی اثبات مالکیت از طریق اداره

ثبت

در نظام حقوقی عراق، نوع ویژه‌ای از دعاوی ثبتی با عنوان «درخواست تثبیت مالکیت از راه حیات» به صورت یک فرآیند کاملاً اداری و غیرقضایی طراحی شده است. این سازوکار، مبتنی بر مواد ۴۳ تا ۵۱ قانون ثبت املاک، برای موارد فاقد اختلاف مستقیم میان دارندگان حق پیش‌بینی شده و شرط بنیادین آن، اثبات تصرف پایدار، بی‌چالش و مسالمت‌آمیز به مدت پانزده سال است. کمیته‌های تخصصی متشکل از کارشناسان حقوقی و ثبتی، مسئول بررسی درخواست و صدور تصمیم نهایی هستند و در صورت اعتراض ذی‌نفعان، پرونده به صورت خودکار به مراجع قضایی ارسال می‌شود. در نظریه، این روش با مزایای سرعت، هزینه پایین و دسترسی

در نظام حقوقی ترکیبی عراق، که تلفیقی از فقه اسلامی، قوانین اروپایی و سنت‌های محلی است، دعاوی اثبات مالکیت (اداری و قضایی) ابزارهایی مکمل برای تثبیت حقوق مالکانه محسوب می‌شوند. با این حال، همپوشانی ساختاری میان این دعاوی، سبب سردرگمی حقوقی و پیچیدگی فرآیند رسیدگی شده است. این وضعیت در عمل منجر به ارجاع پرونده‌های اداری به مسیر قضایی می‌گردد که افزایش هزینه‌های مالی و زمانی و کاهش کارایی نظام را در پی دارد. (الیوسف، ۲۰۰۳، ۵۶)

ریشه این ضعف در ساختار فدرالی ناهمگون پس از قانون اساسی ۲۰۰۵ نهفته است که سبب کاهش دسترسی به عدالت در مناطق کمتر توسعه‌یافته و تشدید نابرابری اجتماعی می‌شود. فساد اداری و فقدان شفافیت نیز اعتماد عمومی و محیط

ناکافی و گاه ناعادلانه است؛ زیرا مالکان مشروع قادر به اثبات تصرف پایدار خود نیستند و در برابر افراد نفوذدار یا غاصب، حقوقشان تضعیف می‌شود. (حسین، ۲۰۲۳، ۵۱۵) کمیته‌های اداری نیز اغلب تحت تأثیر فشارهای قبیله‌ای، حزبی و سیاسی قرار دارند و بی‌طرفی و استقلال تصمیمات آنها به چالش کشیده می‌شود. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود فناوری‌های نوین اطلاعاتی، شامل ثبت دیجیتال، بایگانی الکترونیک و پایگاه‌های شفاف، برای کاهش فساد و نفوذ بیرونی به کار گرفته شود. (احمد، ۲۰۱۶، ۵۷۴)

اگرچه سازوکار ارجاع پرونده‌ها به مراجع قضایی در صورت وجود اعتراض، از نظر نظری تضمین‌کننده حقوق اصحاب دعواست، اما در عمل به تأخیرهای طولانی، هزینه‌های بالا و فرسودگی فرآیند دادرسی منجر می‌شود. این وضعیت، علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن اقتصاد محلی و سرمایه‌گذاری، موجب می‌شود املاک مورد اختلاف برای سال‌ها در حالت بلاتکلیفی باقی بمانند و قابلیت بهره‌برداری اقتصادی یا انتقال قانونی آنها به شدت محدود شود. (احمد، ۲۰۱۶، ۱۰) یک نقد ساختاری دیگر بر این سامانه متمرکز است بر این که عدم تصریح و تأکید عملی بر شرط «عدم غصب» در روال اجرایی کمیته‌ها، در عمل اجازه می‌دهد تا غاصبان دوران جنگ و درگیری‌های مسلحانه از این فرآیند سوءاستفاده نموده و برای اموال غصب شده خود

ساده، ابزاری مؤثر برای رسمیت‌بخشی به حقوق مالکانه محسوب می‌شود. با این حال، در عمل، خطر بالای فساد اداری، نفوذ فشارهای سیاسی و اقتصادی و نبود شفافیت در کمیته‌ها، به ویژه در کلان‌شهرهای پرجمعیت مانند بغداد، این سازوکار را به شدت آسیب‌پذیر و غیرقابل اعتماد ساخته است، به گونه‌ای که اعتماد عمومی به نهادهای اداری و قوانین کاهش یافته است. (الکبسی، ۲۰۱۰، ۱۲۳) از منظر فقه اسلامی، حیات به عنوان روش مشروع کسب مالکیت پذیرفته شده است، اما شریعت اسلامی بر رعایت حقوق دیگران، عدم غصب و به دست آوردن مال از راه مشروع تأکید می‌کند. این محدودیت اخلاقی-حقوقی، که در فقه حنفی و دیگر مکاتب برجسته شده، در عمل در رویه اداری عراق به صورت کامل رعایت نمی‌شود. رأی دادگاه عالی شماره ۲۰۱۷/۲۳۴ ارجاع خودکار پرونده‌های دارای اعتراض به مراجع قضایی را تأیید نمود، اما ضعف نظارت، عدم بررسی عمیق و فشارهای بیرونی، ضرورت ایجاد سازوکارهای مستقل و ضدفساد را برجسته ساخته است. این نوع دعاوی نمونه‌ای گویا از شکاف میان نظریه و عمل است؛ سرعت فرآیند اداری که از نقاط قوت آن محسوب می‌شود، در عمل قربانی فساد، فشارهای سیاسی و ناکارآمدی ساختاری شده است. شرط پانزده ساله حیات، هرچند مطابق اصول فقهی است، در عراق معاصر با بحران‌های گسترده مانند کوچ‌های اجباری، نابودی اسناد و جنگ‌های داخلی،

۵-۳-۲. اثبات مالکیت از طریق محکمه

حقوقی در عراق

نوع ویژه‌ای از دعاوی قضایی مرتبط با املاک، که در محاکم بدایت یا دادگاه‌های مرحله نخست مطرح می‌شود، عمدتاً برای رسیدگی به پرونده‌های پیچیده و چندبعدی طراحی شده است. این سازوکار، ماده ۴۴ قانون ثبت املاک عراق را با مواد مرتبط قانون مدنی تلفیق می‌کند تا چارچوبی جامع و چندلایه برای بررسی دقیق ادعاهای مالکیتی ایجاد شود. بر اساس این فرآیند، پس از صدور حکم قطعی و لازم‌الاجرا، پرونده به اداره ثبت املاک بازگردانده می‌شود تا سند مالکیت رسمی صادر و حقوق مالکانه به‌طور نهایی تثبیت گردد. این روش، از منظر تئوری، باید ابزاری کارآمد و عادلانه برای حل اختلافات پیچیده مالکیتی باشد، اما در عمل، طولانی شدن فرآیندها و تأخیرهای متعدد، اقتصاد ملی را مختل کرده و مانعی جدی برای رشد سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ایجاد کرده است. (الفتلاوی، ۲۰۱۵، ۱۴۵)

در رأی دادگاه تمییز شماره ۲۰۲۱/۵۶۷، امکان ترکیب این دعوا با دعوی صحت عقد به رسمیت شناخته شد، اما تأکید صریح دادگاه بر عدم پذیرش ادله فاقد سند رسمی، حقوق مالکان واقعی فاقد مدارک را محدود می‌کند. در شرایط عراق کنونی، که اسناد مالکیتی بسیاری نابود شده و جنگ و مهاجرت‌های اجباری فراوان رخ داده است، این

سند رسمی دریافت نمایند. این روند، که آشکارا با اصول اولیه حقوق بشر بین‌المللی و حق بر دارایی در تعارض است، نیاز فوری به اصلاحات قانونی برای گنجاندن بررسی‌های امنیتی، تاریخی و تطبیق با بانک‌های اطلاعاتی اموال غصب شده را ضروری می‌نماید. افزون بر این، در یک بررسی همه‌جانبه، می‌توان ادعان داشت که این روش اداری، با وجود مزیت سرعت اولیه، فاقد سازوکارهای تجدیدنظر داخلی، بازبینی اداری و نهاد داوری مستقل است. این خلأ ساختاری، تحقق عدالت را کاملاً به سطح قضایی وابسته ساخته، بار کاری دادگاه‌ها را به گونه‌ای فزاینده افزایش داده و اصل دسترسی به عدالت را برای بسیاری از شهروندان با دشواری روبرو ساخته است. (الفتلاوی، ۲۰۱۵، ۱۴۵)

نباید فراموش نمود که ارتقای اعتماد عمومی و کارآمدی این فرآیند مستلزم استقرار نظارت مستقل، شفاف و پایدار از سوی نهادهای بی‌طرف، از جمله سازمان ملل و نهادهای تخصصی وابسته، است. چنین اقدامی می‌تواند شفافیت را افزایش داده، فساد را کاهش دهد و مسیر عراق را به سمت سامانه ثبت املاک نوین، قابل اعتماد و منطبق با استانداردهای بین‌المللی هموار کند. با این حال، بدون اراده سیاسی قوی، تأمین منابع مالی مناسب و حمایت نهادی پایدار، اصلاحات ساختاری به سختی تحقق می‌یابند و چرخه نادرست موجود ادامه خواهد داشت.

رویکرد به نتایج ناعادلانه منجر شده و ضرورت پذیرش قرائن و ادله جایگزین را آشکار می‌سازد. (السنهوری، ۱۹۸۱، ۱۶۷)

این دعاوی، به‌عنوان نمادی از چالش‌های ساختاری نظام قضایی عراق، نشان می‌دهند که ترکیب هوشمندانه مواد قانونی، اگرچه از نظر حقوقی غنی است، اما به دلیل کمبود قضات متخصص، ضعف آموزش‌های مستمر و ناکارآمدی زیرساخت‌های قضایی، فرآیندها را بطئی، پرهزینه و ناکارآمد می‌کند. این ناکارآمدی نه تنها تحقق عدالت را به تأخیر می‌اندازد، بلکه تنش‌های اجتماعی و شکاف‌های قومی و مذهبی را تشدید می‌کند، زیرا نزاع‌های ملکی غالباً ریشه در اختلافات عمیق اجتماعی دارند. (حسین، ۲۰۲۳، ۱۵) سازوکار ارجاع پرونده به اداره ثبت، هرچند از نظر منطقی صحیح است، اما در عمل و در شرایطی که دستگاه ثبت با فساد اداری و نفوذ گروه‌های فشار روبه‌رو است، به حلقه‌ای ضعیف در تحقق حقوق تبدیل می‌شود. طولانی شدن فرآیندها، ناشی از تجدیدنظر خواهی‌های متعدد و کمبود منابع، دارایی‌های با ارزش را راکد نگه می‌دارد و اهداف بازسازی اقتصادی عراق را با چالش جدی مواجه می‌کند. (احمد، ۲۰۱۶، ۵۷۴)

ویژه در مناطق جنگ‌زده یا دورافتاده، را از احقاق حقوق خود محروم می‌کند. این ناعدالتی با اصول فقه اسلامی، از جمله حمایت از مستضعفان و قاعده لاضرر، در تضاد آشکار قرار دارد.

این سیستم قانونی در عمل به نفع طرف‌های قدرتمند عمل کرده و حقوق افراد کم‌درآمد و فاقد سند رسمی را محدود می‌کند. برای رفع این تبعیض، نیاز به پذیرش ادله و شواهد جایگزین، از جمله شهادت معتبر محلی، تصاویر ماهواره‌ای، اسناد عرفی و گزارش‌های میدانی، به‌عنوان مکمل یا جایگزین اسناد رسمی در شرایط خاص وجود دارد.

برای ارتقای عدالت و کارآمدی این نوع دعاوی، آموزش تخصصی قضات در زمینه حقوق مالکیت، ارزیابی ادله نوین و مدیریت پرونده‌های پیچیده ضروری است. همچنین، پیاده‌سازی سامانه‌های دیجیتال پیشرفته، ثبت الکترونیکی پرونده‌ها و پلتفرم‌های هوشمند نظارتی می‌تواند فرآیند دادرسی را سریع‌تر، شفاف‌تر و عادلانه‌تر سازد. با این حال، بدون حمایت‌های بین‌المللی فنی و مالی و اراده سیاسی قوی، تحقق این اصلاحات بنیادین دشوار خواهد بود.

۶. نتیجه

بررسی نظام اثبات مالکیت در عراق نشان می‌دهد که این نظام در یک چرخه معیوب ناکارآمدی، نابرابری و نقض حقوق بشر گرفتار شده است.

تمرکز افراطی بر ارائه سند معتبر، همان‌طور که در رأی ۲۰۲۱/۵۶۷ تأکید شده است، (النفاج، ۱۴۰۰، ۶۷) بسیاری از مالکان اصیل فاقد سند رسمی، به

حقوق مالکانه، به‌ویژه برای آوارگان و قربانیان جنگ، نه به عنوان یک حق مسلم، بلکه به مثابه یک امتیاز دست‌نیافتنی جلوه می‌کند که تنها از مجرای نفوذ یا ثروت قابل دسترسی است.

راه برون‌رفت از این بحران، نیازمند اصلاحاتی بنیادین، هماهنگ و چندبعدی است. اصلاحات تقنینی باید به سمت روزآمدسازی قوانین، رفع تعارضات و همسو کردن آنها با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر گام بردارد. همزمان، نوسازی نظام قضایی و اداری از طریق آموزش تخصصی قضات، مبارزه ساختاری با فساد، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و شفاف‌سازی فرآیندهای امری حیاتی است.

در این میان، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند سیستم‌های ثبت دیجیتال یکپارچه و فناوری بلاک‌چین می‌تواند نقشی تحول‌آفرین ایفا کند. این فناوری‌ها می‌توانند با ایجاد شفافیت، کاهش قابلیت جعل و دستکاری، و تسهیل دسترسی به اطلاعات، پایه‌های یک نظام ثبت مطمئن و عادلانه را بنیان نهند. با این حال، فناوری به تنهایی راه‌گشا نیست و موفقیت آن منوط به اراده سیاسی قوی، حاکمیت قانون و همراهی نهادهای جامعه مدنی است.

افزون بر این، برای رفع کاستی‌های قانون آیین دادرسی و ادله اثبات عراق و انطباق آن با مقتضیات روز، چند راهکار عملی پیشنهاد می‌شود: نخست، بازنگری ساختاری و همه‌جانبه قانون و الحاق فصلی

چالش‌های ساختاری عمیق - از فساد اداری گسترده و نابودی آرشیوها تا ناهماهنگی قوانین و نفوذ فشارهای سیاسی-قبیله‌ای - نه تنها فرآیند اثبات مالکیت را برای شهروندان عادی به ویژه در مناطق جنگ‌زده و برای اقشار کم‌درآمد دشوار و پرهزینه ساخته، بلکه خود به عاملی برای تداوم بی‌عدالتی و تشدید شکاف‌های اجتماعی تبدیل شده است. این وضعیت، تضاد آشکاری با اصول عدالت‌محور فقه اسلامی و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر دارد.

ریشه این ناکارآمدی را می‌توان در گسست میان نظریه و عمل حقوقی جستجو کرد. قوانین مدنی، ثبتي و آیین دادرسی عراق، اگرچه در ظاهر چارچوبی برای حمایت از مالکیت فراهم می‌کنند، اما در عمل به دلیل کهنگی، ناهماهنگی و عدم انعطاف در برابر واقعیت‌های پیچیده پساجنگ - مانند مهاجرت‌های اجباری، غصب گسترده اموال و نابودی اسناد - ناتوان هستند. تفسیرهای سلیقه‌ای، فقدان وحدت رویه قضایی و تأثیرپذیری مراجع اداری و قضایی از فشارهای بیرونی، اعتماد عمومی به نهادهای حقوقی را به شدت تضعیف کرده است.

پیامدهای این بحران تنها محدود به عرصه حقوقی نمی‌شود، بلکه تاروپود اجتماعی و اقتصادی عراق را نیز تحت تأثیر قرار داده است. عدم امنیت مالکیت، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را کاهش داده، بازسازی اقتصادی را مختل کرده و به عاملی برای تشدید تنش‌های قومی و مذهبی تبدیل شده است.

برای بررسی قرائن، از اولویت‌های مطلق در اصلاح این قانون محسوب می‌شوند. بدون چنین نوسازی بنیادین و سیستم‌محور، تحقق عدالت قضایی واقعی در عراق آینده غیرممکن خواهد بود.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- أحمد، علی، المدخل للقانون المدني العراقي، الطبعة الثالثة، بغداد، دار الثقافة للنشر، ۲۰۱۶.
- الزیدی، علی، حقوق الملكية در القانون العراقي، الطبعة الأولى، بغداد، دار الثقافة، ۲۰۱۲.
- السنهوری، عبد الرزاق، الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، الطبعة الثانية، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۹۸۱.
- الكبیسی، محمد، شرح قانون الأحوال الشخصية والمدنی، الطبعة الثالثة، بغداد، مطبعة الجامعة، ۲۰۱۰.
- الفتلاوی، أحمد، الإجراءات المدنية فی العراق: دراسة مقارنة، الطبعة الثانية، بغداد، دار السلام، ۲۰۱۵.

مستقل درباره ادله الکترونیکی که شرایط اعتبار، شیوه استناد، ارزش اثباتی و روش کارشناسی آن‌ها را به‌طور شفاف تعیین کند. دوم، تدوین آیین‌نامه اجرایی برای تشخیص عدالت شهود، با مشارکت فقها، قضات، روانشناسان و جرم‌شناسان، در قالب دستورالعملی دقیق و عملیاتی به منظور کاهش شهادت‌های ساختگی و سفارشی. سوم، تأسیس نهاد مستقل کارشناسی رسمی تحت نظارت مستقیم و سختگیرانه قوه قضائیه، برای ارتقای کیفیت بررسی ادله تخصصی و جلوگیری از نفوذ و فساد. چهارم، ایجاد بانک اطلاعاتی آرای قضایی در قالب سامانه‌ای یکپارچه و آنلاین جهت دسترسی قضات، وکلا و پژوهشگران، که به وحدت رویه قضایی و یکنواختی در تفسیر و اجرای قوانین کمک خواهد کرد.

در نهایت، قانون آیین دادرسی و ادله اثبات عراق (شماره صد و هفت) مصوب هزار و سیصد و پنجاه و هشت، پس از بیش از چهار دهه، نه تنها پاسخگوی نیازهای پیچیده جامعه عراق نیست، بلکه خود مانعی در تحقق عدالت قضایی شده است. چالش‌های مرتبط با اسناد رسمی، شهادت و قرائن، ضرورت بازنگری فوری، جسورانه و آینده‌نگر در این قانون را نشان می‌دهد. روزآمدسازی قوانین بر اساس استانداردهای بین‌المللی، آموزش و بازآموزی قضات، شفاف‌سازی فرآیند تشخیص عدالت شهود، توجه به ادله الکترونیکی و ایجاد مکانیزم‌های دقیق

Journal of Law and Sustainable Development, 11(12), 2023.

- Kaczorowska, Maria. "Blockchain-based Land Registration: Possibilities and Challenges", Masaryk University Journal of Law and Technology, 13(2), 2019.

- Zein, Reyan M.; Twinomurizi, Hossana. "Blockchain Technology in Lands Registration: A Systematic Literature Review", JeDEM — eJournal of eDemocracy and Open Government, 15(2), 2023.

- النفاخ، مسلم عقیل حمید، سلب مالکیت خصوصی از منافع عمومی: مطالعه تطبیقی قانون اساسی عراق و اسناد بین‌المللی حقوق بشر (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی)، دانشگاه ادیان و مذاهب، استاد راهنما: محمد صادقی، ۱۴۰۰.

- الیوسف، علی حسن، القانون المدنی العراقي: شرح وتعلیق، الطبعة الأولى، بغداد، دار الكتب للطباعة والنشر، ۲۰۰۳.

- عیسی عبده، أحمد إسماعیل یحیی، الملكية فی الإسلام، الطبعة الثانية، القاهرة، دار الشروق، ۱۹۸۰.

- مدخلی، محمد بن منصور ربیع، أحكام الملكية فی الفقه الإسلامی: دراسة مقارنة، الطبعة الأولى، الرياض، دار المعراج الدولية للنشر، ۱۹۹۶.

- Al-Husseini, J. "Judicial Reform in Post-Conflict Iraq: Challenges and Opportunities", International Journal of Transitional Justice, 13(1), 2019.

- Al-Jaberi, K. "Legal Pluralism and Access to Justice in Iraq: The Role of Customary and State Laws", Journal of Law and Society, 47(1), 2020.

- Dickovick, J. Tyler. "Conflict HLP Rights: The Use of Housing, Land and Property Rights in Financing Armed Conflict", Stability: International Journal of Security & Development, 12(1), 2023.

- Hussein, Rokan Abdulkadir. "Suitability of Iraqi legal system for building operation transfer contract in infrastructure construction projects",